# این میز، برای مذاکره چیده نشده است!

«عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست»؛ این سه توصیف اخیر رهبر معظّم انقلاب درباره‌ی مذاکره با آمریکا است که در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوائی و پدافند هوائی ارتش در نوزدهم بهمن‌ماه عنوان شد. امّا چرا امروز مذاکره با آمریکا نه عاقلانه است، نه هوشمندانه و شرافتمندانه؟

اوّلین دلیل که رهبر انقلاب نیز تقریباً به‌تفصیل به آن پرداختند، تجربه‌ی جمهوری اسلامی ایران است. ایران، طیّ چهار دهه‌ی اخیر، مذاکرات مختلف و متعدّدی را با آمریکا انجام داده است؛ از مذاکره در اوایل انقلاب بر سر گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران که به معاهده‌ی الجزایر ختم شد، تا یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین مذاکرات دیپلماتیک در دنیا که در نهایت به توافق برجام رسید. نگاهی به جزئیّات و سرنوشت این مذاکرات و توافق‌ها نشان می‌دهد عنصر «پایبندی به توافق» برای آمریکایی‌ها تقریباً بی‌معنا است. فرقی ندارد یک رئیس‌جمهور دموکرات در کاخ سفید باشد یا یک رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه؛ خوی استکباری این کشور مانع از آن است که به تعهّدات خود پایبند باشند.

برجام در این زمینه یک نمونه‌ی خاص و عبرت‌آموز است؛ توافقی که ایران در آن امتیازهای فراوان و نقد داد ولی در مقابل، طرف دیگر توافق که در واقع آمریکا بود، وعده‌هایی داد که از ابتدا نسبت به عملی کردن آن‌ها نقص و تعلل جدّی داشت و در نهایت نیز به صورت یکجانبه از آن خارج شد. نکته‌ی مضحک ماجرا این‌جا بود که یکی از بهانه‌های دولت وقت آمریکا برای سخت‌گیری حدّاکثری و اخذ امتیاز بیشتر از ایران در دوره‌ی مذاکرات، این بود که تهران باید تعهّدات سفت‌وسختی بدهد تا با عوض شدن دولت در ایران، توافق همچنان پیش برود و به آن پایبند باشد؛ امّا کشوری که این رفتار مغایر با توافق و اصول حقوقی را در پیش گرفت، آمریکا بود نه ایران.

**«وقت آدم ارزش مذاکره با شما را ندارد»**

رفتار دولت وقت آمریکا چنان گستاخانه و توهین‌آمیز بود که حتّی مقامات ارشد دولت وقت ایران نیز ـ که مذاکره‌کننده و منعقدکننده‌ی برجام بود ـ به‌صراحت، مذاکره با چنین دولتی را رد کردند و آن را غیرعقلانی دانستند. آقای ظریف، وزیر امور خارجه‌ی وقت کشورمان، نیمه‌ی مردادماه سال ۱۳۹۷ در سخنرانی خود به مناسبت روز خبرنگار و در جمع برخی از اهالی رسانه گفت: «روی کلمه به کلمه‌ی برجام ساعت‌ها مذاکره شده، ولی آقای ترامپ یکباره یک چیزی را امضا می‌کند، می‌گوید که همه‌اش باطل است! آن‌وقت اصلاً می‌شود با این آدم مذاکره کرد؟ یعنی آیا این جز یک نمایش تبلیغاتی است؟ شما دنبال مذاکره هستید، اشکال ندارد. ایران که هیچ وقت نگفته ما مخالف مذاکره‌ایم؛ ما نشان دادیم و ثابت کردیم که طرف‌دار مذاکره هستیم، امّا نشان دادید که وقت آدم ارزش مذاکره با شما را ندارد.»

**مگر کشورها دیوانه‌اند؟**

این اظهارات مربوط به چند ماه پس از خروج آمریکا از برجام است. بدعهدی‌های آمریکا مدّت‌ها پیش از آن نیز در جریان بود. آقای روحانی، رئیس‌جمهور وقت، هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ - حدود شش ماه پیش از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای - طیّ سخنانی در مجلس شورای اسلامی گفت: «اگر دولتی مثل دولت آمریکا عنوان کند که بر یک تعهّد مهمّ بین‌المللی متعهّد نیستم و استدلالش هم این باشد که سر دولت قبلی کلاه رفته، پس تداوم مسئولیّت دولت‌ها چه می‌شود؟ کمااینکه هر دولت دیگری در هر کشوری نیز می‌تواند همین ادّعا را داشته باشد. بعضی‌ها می‌گویند تعهّدی که قبلاً با هم بستیم، فعلاً قرص‌ومحکم نباشد، متزلزل باشد، بیاییم راجع به موضوعی دیگر با هم مذاکره کنیم! این یکی از حرف‌های خنده‌دار تاریخ است. یک کسی عهد و پیمانی می‌بندد و می‌گوید پای پیمانِ خودم تا آخر ایستاده‌ام و به‌دقّت عمل می‌کنم و اجرا می‌کنم، جایزه‌ی من این است که راجع به موضوع دوّم صحبت کنیم؛ این قابل بحث است امّا کسی که همان تعهّد اوّل را زیر پا می‌گذارد، دارد با زبانِ عملش اعلام می‌کند که من اهل مذاکره نیستم. معنایش این است که اگر کشوری در این مسیر قرار گرفت، دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند به آن اعتماد کند، و این در حالی است که امروز آمریکایی‌ها به بعضی از کشورهای شرق آسیا پیغام مذاکره

می‌دهند که با ما مذاکره کن! مگر دیوانه شده‌اند که با شما مذاکره کنند؟ شما مذاکره‌ی دیروز را علنی زیر پا می‌گذارید و به مذاکره‌ی امضاشده‌ای که به تأیید شورای امنیّت سازمان ملل رسیده بی‌اعتنا هستید.»

**سراب بایدن**

پس از پایان دوره‌ی ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰ و روی کار آمدن جو بایدن، برخی امید داشتند که دولت وی با توجّه به شعارهایی که در دوران مبارزات انتخاباتی داده بود، به برجام بازگشته و آن را احیا کند. مذاکراتی نیز در این زمینه میان ایران و آمریکا صورت گرفت که بخشی از آن در دولت آقای روحانی پیش رفت و پس از روی کار آمدن دولت شهید رئیسی نیز این مذاکرات متوقّف نشد و ادامه یافت، امّا باز هم آمریکایی‌ها با طرح مسائل غیرمرتبط و در واقع باج‌خواهی، حاضر به عمل به تعهّدات خود ذیل برجام نشدند و چهار سالِ دولتِ بایدن نیز با ادامه‌ی مسیر دولت ترامپ در اَعمالِ فشار بیشتر به ایران سپری شد.

**دم خروس یا پیشنهاد مذاکره؟**

در حال حاضر، کمتر از یک ماه از روی کار آمدن مجدّد ترامپ در آمریکا می‌گذرد. ترامپ از ابتدای ورود به کاخ سفید رویکردی قلدرمآبانه و تهاجمی را نسبت به دیگران و حتّی کشورهای دوستِ آمریکا در پیش گرفته است: دولت آمریکا علناً خواستار الحاق گرینلند به خاک آمریکا است و علی‌رغم مخالفت صریح دانمارک، اعلام کرده که برای تصاحب این منطقه در قطب شمال، ممکن است از نیروی نظامی نیز استفاده کند؛ کانادا و مکزیک را با تهدید به راه‌اندازی جنگ تجاری سنگین، تحت فشار گذاشته تا امتیازات مدّ نظر خود را دریافت کند و حتّی بارها و به‌صراحت از لزوم ضمیمه شدن کانادا به آمریکا به عنوان ایالتی جدید سخن گفته است؛ در پی تسلّط بر کانال پاناما و حتّی تصاحب آن است؛ همچنین، طرح وحشیانه‌ی آن برای تملّک غزّه و بیرون راندن دو میلیون اهالی آن و آواره کردن آنان به دیگر کشورها، جدیدترین نمونه و بروز این خوی فرعونیِ استکبارِ قرنِ بیست‌ویکم است.

به موازات این سیاست‌های تهاجمی و توسعه‌طلبانه که حتّی صدای متّحدان اروپایی آمریکا را نیز درآورده است، سه‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته، ترامپ یک یادداشت ریاست جمهوری را درباره‌ی ایران امضا کرد؛ یادداشتی که نشان می‌دهد رویکرد واقعی ترامپ درباره‌ی ایران چیست. وی بلافاصله پس از امضای این یادداشت، در یک کنفرانس خبری که با حضور نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کاخ سفید برگزار شد، مدّعی شد که خواهان مذاکره و توافق با ایران است و به گونه‌ای سخن گفت که انگار تنها دغدغه و خواسته‌ی دولت آمریکا عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است؛ امّا آیا واقعاً چنین است؟

**یادداشت ریاست جمهوری ترامپ چه می‌گوید؟**

این سند که تحت عنوان «یادداشت امنیّت ملّی ریاست جمهوری» و در جهت اِعمال فشار حدّاکثری به جمهوری اسلامی ایران به امضای ترامپ رسیده است، در آغاز، ایران را از سال ۱۳۵۷ تاکنون مسئول تمام مشکلات و مصائب آمریکا و رژیم صهیونیستی عنوان کرده و با دروغ‌پردازی و اتّهام‌زنی، برچسب‌هایی همچون «تروریسم»، «عدم رعایت حقوق بشر»، «بی‌ثبات‌سازی منطقه» و امثالهم را به ایران می‌زند.

یادداشت مذکور، پس از این مقدّمه‌ی سراسر افترا، به سه بخش تقسیم می‌شود. در بخش اوّل، به عنوان سیاست، اهداف کلّی دولت ترامپ عنوان شده است که ترجمه‌ی آن از این قرار است: «سیاست ایالات متّحده این است که ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قارّه‌پیما محروم شود؛ شبکه و کمپین تجاوز منطقه‌ای ایران خنثی شود؛ سپاه پاسداران و عوامل آن مختل، تضعیف یا از دسترسی به منابعی که فعالیّت‌های بی‌ثبات‌کننده‌ی آن‌ها را تقویت می‌کند محروم شوند؛ با توسعه‌ی تهاجمی موشک‌ها و سایر توانایی‌های تسلیحاتی متعارف و نامتقارن ایران مقابله شود.»

همان‌طور که در این بخش تصریح شده، برخلاف آنچه ترامپ در مقابل رسانه‌ها می‌گوید، اهداف او بسیار وسیع‌تر از موضوع فعّالیّت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است و توان موشکی و حتّی تسلیحات متعارف ایران را نیز نشانه رفته است.

در بخش دوّم این سند، ترامپ به‌ترتیب به وزیر خارجه، نماینده‌ی دائم آمریکا در سازمان ملل متّحد، وزیر بازرگانی و دادستان کلّ این کشور دستور می‌دهد فعّالیّت‌هایی را با هدف راه‌اندازی یک کمپین ایران‌ستیزانه‌ی گسترده در حوزه‌های مختلف سامان دهند. برخی از این دستورات و فعّالیّت‌های ابلاغی از این قرار است:

* لغو یا اصلاح برخی معافیت‌های تحریمی مانند پروژه‌ی بندر چابهار؛
* تلاش برای کاهش صادرات نفت ایران و رساندن آن به صفر، از جمله ممانعت از صادرات به چین؛
* تلاش برای انزوای دیپلماتیک ایران در سازمان‌های بین‌المللی؛
* اقدام فوری برای ممانعت از دُور زدن احتمالی تحریم‌ها از طریق عراق و کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس؛
* همکاری با متّحدان آمریکا در سازمان ملل برای بازگشت سریع تحریم‌ها و محدودیّت‌های بین‌المللی (احتمالاً از طریق فعّال‌سازی مکانیسم ماشه در برجام)؛
* تشکیل منظّم جلسات در شورای امنیّت سازمان ملل برای برجسته‌سازی تهدیدات متعدّد ایران علیه صلح و امنیّت بین‌المللی؛
* کمپین قوی و مستمرّ کنترل صادرات برای محدود کردن جریان فنّاوری و قطعات به ایران؛
* توقیف محموله‌های نفت ایران؛
* شناسایی دارایی‌های دولتی ایران در آمریکا و خارج از کشور به منظور مصادره، در پی احکام دادگاه‌های آمریکا؛
* بررسی، تعقیب و مختل کردن تلاش‌های سایبری ایران.

موارد فوق بخشی از دستوراتی است که ترامپ خطاب به دولتمردان خود درباره‌ی ایران صادر کرده است. در بخش سوّم این یادداشت نیز نکاتی درباره‌ی ترتیبات اجرائی آمده است.

**سندی بر اساس یک توهّم**

این سند، از منظر راهبردی، بر پایه‌ی این تصوّر تهیّه و امضا شده است که جمهوری اسلامی ایران در موضع ضعف قرار دارد و اگر دولت آمریکا خود را مصمّم و تهاجمی نشان دهد، ایران ناچار تن به مذاکره و یا به معنای دقیق‌تر آن، تن به تسلیم خواهد داد. امّا ترامپ با امضای این سند، در واقع، به پای خود شلّیک کرد؛ چرا که در عمل، امکان فکر به میز مذاکره را هم از بین برد. با وجود چنین متن و مواردی، موافقت ایران با مذاکره به معنای تأیید توهّم ضعف ایران بود و راه را برای فشار بیشتر باز می‌کرد.

ترامپ، در مصاحبه‌های اخیر خود، چندین بار دوگانه‌ی «توافق» یا «حمله‌ی نظامی» را مطرح کرده است. از قضا، آنچه می‌تواند باعث تهدید امنیّت ملّی و تمامیّت ارضی ایران شود، رفتن پای میز مذاکره با آمریکا است؛ آمریکایی که خواستار خلع سلاح ایران حتّی در حوزه‌ی تسلیحات متعارف و دفاعی است. بنابراین، موافقت با چنین مذاکره و توافقی خطرناک‌ترین اقدام از منظر امنیّت و منافع ملّی است.

**بیست‌ودوّم بهمن تماشایی و پاسخ مردم به ترامپ**

راهپیمایی بیست‌ودوّم بهمن امسال پاسخی مردمی، صریح و مستقیم به خیال‌بافی‌ها و توهّمات ترامپ و تیمش بود. مردم، علی‌رغم همه‌ی مشکلات، دلخوری‌ها و مسائلی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان آمدند و با انقلاب تجدید میثاق کردند و به ناظران خارجی نشان دادند جمهوری اسلامی همچنان و علی‌رغم همه‌ی توطئه‌ها و تلاش‌ها، از حمایت قوی مردمی برخوردار است و راهبرد اصلی دشمن برای جدایی انداختن میان مردم و نظام، شکست خورده است. در این میان، مواضع قاطع و روشن دولتمردان، بخصوص رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه‌ی کشورمان در نفی مذاکره با آمریکا و پشتیبانی از موضع رهبر انقلاب، در ناکام گذاشتن طرّاحی آمریکایی ـ اسرائیلی نقشی مهم داشت. دشمن، هم در بین مسئولان و هم مردم، امید بسیاری به تشتّت داخلی بسته بود امّا این بار نیز محاسبات آن‌ها غلط از آب درآمد.

درحالی‌که دولت آمریکا تحت تأثیر القائات رژیم صهیونیستی راه تهدید و باج‌خواهی حدّاکثری را در پیش گرفته، هوشمندانه‌ترین موضع همان بود که رهبر انقلاب در دیدار کارکنان نیروی هوائی اتّخاذ کردند و درباره‌ی توهّمات و تهدیدات آمریکایی‌ها تأکید کردند: «درباره‌ی ما هم نظر می‌دهند، حرف میزنند، اظهارنظر می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ ما اگر تهدیدمان بکنند، تهدیدشان می‌کنیم؛ اگر این تهدید را عملی کنند، ما هم تهدید را عملی می‌کنیم؛ اگر به امنیّت ملّت ما تعرّض کنند، ما هم به امنیّت آنها تعرّض خواهیم کرد؛ بدون تردید. این، رفتارِ فراگرفته‌ی از قرآن و دستور اسلام است و وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی ما است.»

---

امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان، رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش در گفت‌وگوی تفصیلی با ایسنا به بررسی آخرین تحولات منطقه غرب آسیا و جایگاه ممتاز جمهوری اسلامی در آن پرداخت. مشروح گفت‌وگو با رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در ادامه می‌خوانید.

***

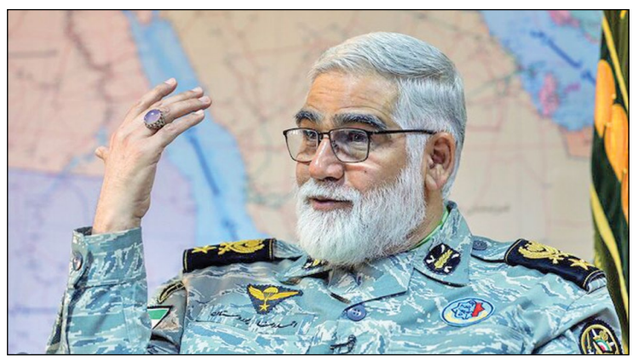

امیر پوردستان:

# تحولات سوریه پایان کار نیست بلکه بستری برای تحولات بزرگ در منطقه و جهان به نفع جبهه حق خواهد بود

**ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان دو بازوی قدرتمند نظام اسلامی هستند که با تدابیر حضرت امام(ره)و پس از ایشان با هدایت‌های حکیمانه مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا در کلیه ماموریت‌های دفاعی و برقراری امنیت و حفظ منافع ملی در کنار یکدیگر و دوشادوش هم عمل می‌کنند. نقطه اوج این همدلی و هماهنگی در سال‌های دفاع مقدس و با تشکیل قرارگاه عملیاتی ملی مشترک چهره عینی و عملی به خود گرفت و از شعار ارتشی و سپاهی دو لشکر الهی به باور و شعور ارتشی و سپاهی یک لشکر الهی رسید و امتداد پیدا کرد. نکته قابل توجه اینکه در دهه‌های اخیر و با تشکیل ستاد کل نیروهای مسلح که در حقیقت ستاد فرماندهی معظم کل قواست، شاهد بیشترین وفاق و همدلی و در نتیجه هم افزایی حداکثری بین این دو سازمان نظامی هستیم. اختصاص ماموریت‌های دفاعی و تهاجمی، رزمایش‌های مرکب و مشترک، امداد رسانی‌ها و روابط و مناسبات اداری بین سازمانی با هدایت و نظم بخشی ستاد کل نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد.**

سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جزر و مدها و فراز و نشیب‌ها و میدان‌های زیادی را تجربه کرده و توانسته‌اند در فضای سنگین تحریم و بسته شدن کلیه مسیرهای اقتصادی و بازرگانی با انواع تهدیدات و جنگ‌ها در حوزه‌های مختلف نظامی، اطلاعاتی، امنیتی سایبری و... مقابله کنند و به تمام معنا یک نیروی مسلح میدان دیده و کارآزموده هستند و از کوله باری سنگین از تجارب و درس آموخته‌ها و دانش برخوردار هستند. دوم اینکه مجموعه مقتدر نیروهای مسلح، با ارتقاء قابلیت‌های فنی و صنعتی خود و به‌کارگیری شرکت‌های دانش بنیان داخلی و بدون حمایت خارجی‌ها می‌توانند پیشرفته‌ترین ادوات و تجهیزات مورد نیاز صحنه جنگ را طراحی و تولید کنند به همین خاطر و با جرات می‌توان ادعا کرد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با چنین پشتوانه سنگین عملیاتی و فنی و دانشی و بهره مندی از کارکنان شجاع، با انگیزه و شهادت طلب به شایستگی توانائی حفظ امنیت و منافع ملی و ارزش‌های نظام اسلامی را داشته و هر متجاوزی را در هر جغرافیائی که باشد با پاسخی کوبنده و پشیمان‌کننده روبه‌رو خواهند کرد.

**چرا برخی در تحلیل از تحولات سوریه به دنبال القای ایران ضعیف بودند؟**

در نبردهای امروز تعاریفی که از پیروزی و شکست می‌شود متفاوت است، این تفاوت در سطوح مختلف جنگ نیز تعاریف و معنای خاص خود را دارد. مثالی بزنم که این معنا را روشن کند. در جنگ ۱۵ ماهه غزه، رژیم صهیونیستی با به‌کارگیری پیشرفته‌ترین ادوات و تجهیزات، توانست بخش‌های عمده سرزمین غزه را اشغال کند و با سبعیت و بی‌رحمی بیش از پنجاه هزار انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشید و به نوعی در حوزه تاکتیکی به پیروزی رسید، لکن در سطح راهبردی بزرگ‌ترین بازنده جنگ رژیم صهیونیستی بود؛ چرا که به هیچ یک از اهداف ترسیمی و اعلامی خود نرسید. به همین دلیل کسانی که در واقعه سوریه و اشغال آن توسط گروهک تحریر الشام، به دنبال القای ضعیف نشان دادن نیروهای مسلح هستند، باید به چند نکته مهم و اساسی توجه داشته باشند.

اول اینکه کشور سوریه بخشی از سرزمین جمهوری اسلامی ایران نیست که نیروهای مسلح ما با فدا کردن جان و هستی خود بخواهند مانع از استیلای دشمن بر آن شوند. هر چند به عنوان یک کشور مسلمان و وجود اماکن متبرکه، علاقه‌مندی و محبت، مردم ما را به آن سرزمین جلب و جذب می‌کند. دوم اینکه حضور مستشاری نیروهای مسلح ما در آن کشور به درخواست رسمی رئیس‌جمهور قانونی سوریه و پس از ناتوانی نیروهای مسلح آن کشور، در دفع عناصر گروهک تروریستی داعش صورت پذیرفت. اگر درخواستی نبود قطعا مستشاران نظامی ما امکان حضور در آن سرزمین را پیدا نمی‌کردند. سوم اینکه آمادگی عملیاتی و تهاجم نظامی قریب‌الوقوع نیروهای تحریر الشام توسط عناصر اطلاعاتی و امنیتی کشف و شناسائی و به بالاترین مراجع رسمی و حتی به رئیس‌جمهور سوریه اطلاع‌رسانی شده بود، لکن تحلیل‌های غلط و دلخوش کردن به وعده‌های فریبنده برخی کشورهای عربی و غربی و بدتر از همه انحلال گردان‌های بسیج، غافلگیری راهبردی برای سردمداران آن کشور را فراهم آورد و همه شاهد بودند که در اثر این غافلگیری و بی‌توجهی به هشدارهای دلسوزانه مسئولان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی چگونه یک گروهک تروریستی که البته توسط آمریکا و برخی کشورهای منطقه حمایت می‌شد، خیلی آسان و بدون برخورد با هیچ مقاومتی توانست خود را به پایتخت برساند و حکومت بشار اسد را سرنگون کند. نکته مهم و قابل توجه در این حادثه عظیم این است که این اشغال سریع نظامی، پایان کار سوریه و رژیم مسلط بر آن نیست، بلکه با عنایت الهی بستری برای شروع تحولات بزرگ و فراگیر در منطقه و جهان و البته به نفع جبهه حق خواهد بود.

**تمرکز بر همه مؤلفه‌ها و مقوله‌های قدرت اعم از قدرت نرم و قدرت سخت برای حفظ ایران قوی چقدر ضرورت دارد؟**

مولفه‌های قوت و قدرت در یک کشور متعدد هستند. یکی از چندمؤلفه قدرت ملی برخورداری از تسلیحات و تجهیزات است. لکن اگر به تاریخ جنگ‌ها مراجعه کنیم، به وضوح نمایان خواهد شد که عوامل پیروزی یک کشور بر دیگری فقط متکی به سلاح و تجهیزات نبوده است. هر چند نقش اینمؤلفه در پیروزی یا شکست، نقشی غیر قابل اغماض و انکارناشدنی است. در سال‌های دفاع مقدس و در شرایطی که همه راه‌های لجستیکی به روی کشور ما بسته شده بود و امکان خرید حتی یک فشنگ کالیبر سبک را هم نداشتیم، دنیای استکبار در هیبت رژیم بعث عراق در برابر ما صف آرائی کرده بودند و آن رژیم دست نشانده را با انواع جنگنده‌های فوق پیشرفته تا بمب‌های هوشمند و شیمیایی تجهیز و پشتیبانی می‌کردند. اما نتیجه‌ای که حاصل شد، بر خلاف محاسبات مادی مستکبران بود. واقعیت‌های میدانی نشان داد که نظام اسلامی هر چند با حلقه‌های تحریم و به ویژه تحریم تسلیحاتی، محدود شده بود، اما مؤلفه‌های قدرت دیگر مثل برخورداری از رهبری هوشمند، حمایت تمام قد مردم از نیروهای مسلح، شجاعت و انگیزه‌های دینی کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی، وجود جوانان مبتکر و دانشمند که متناسب با نیاز صحنه جنگ ظرفیت‌های تسلیحاتی و تجهیزاتی را به روز و یا تولید می‌کردند و ده‌ها مؤلفه دیگر قدرت را داشت که به برکت انقلاب اسلامی از قوه به فعل درآمدند و آن پیروزی‌های بزرگ را رقم زدند. امروز نظام اسلامی به برکت چنین مؤلفه‌های قدرتی که بعضا غیر مادی و غیر قابل محاسبه هستند و به مراتب از سلاح‌های مادی کارآمدتر و قوی‌تر می‌باشند، توانسته است در دشمنان بازدارندگی ایجاد کند، به گونه‌ای که خیال خام تجاوز را در مخیله پلید خود راه ندهند.

**تامین و حفظ امنیت روانی از چه مسیرهایی ممکن است و در ساخت و حفظ ایران قوی چه تاثیراتی دارد؟**

امنیت روانی جامعه همانند یک پازل است. همان‌طور که برای شکل دادن به یک پازل باید اجزا و قطعات زیادی در کنار هم قرار بگیرند تا تصویر مورد نظر شکل واقعی پیدا کند، برای رسیدن به امنیت روانی جامعه هم باید سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های زیادی با همدیگر تعامل و همکاری نزدیکی داشته باشند تا در سایه این وحدت و همراهی، شرایطی ایجاد شود که مردم به لحاظ روحی و روانی احساس امنیت کنند و نگرانی نداشته باشند. واقعیت مسلم این است که در موضوع امنیت روانی جامعه، نقش نیروهای مسلح کشور، یک نقش مهم، کلیدی و غیر قابل انکار است. علی(ع) در این رابطه می‌فرمایند: فالجنود باذن‌الله حصون الرعیه. یعنی نیروهای مسلح نظام اسلامی باید مثل دیوارهای یک دژ و قلعه باشند و آن‌قدر قوی و مستحکم و غیر قابل نفوذ باشند که مردم درون قلعه با آرامش خاطر و راحتی خیال و بدون ترس از هر تهدیدی زندگی کنند. طبیعی است که نیروهای نظامی و انتظامی زمانی به این جایگاه والا و شایسته دست پیدا می‌کنند که از توان و اقتدار بالائی در مقابله با خطرات و تهدیدات برخوردار باشند. علاوه‌بر این موارد لازم است که نیروهای مسلح با توسل به برخی اقدامات فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی امکان به‌روز و ظهور خطرات و نا آرامی‌ها و ناامنی‌هایی را که به آرامش روانی جامعه آسیب وارد می‌کنند، مسدود کنند. بحمدالله امروز و با وجود برخورداری از رهبری هوشمند، حمایت تمام قد مردم از نیروهای مسلح، شجاعت و انگیزه‌های دینی کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی، وجود جوانان مبتکر و دانشمند که متناسب با نیاز صحنه جنگ ظرفیت‌های تسلیحاتی و تجهیزاتی را به روز و یا تولید می‌کردند و ده‌ها مؤلفه دیگر قدرت را داشت که به برکت انقلاب اسلامی از قوه به فعل درآمدند و آن پیروزی‌های بزرگ را رقم زدند. امروز نظام اسلامی به برکت چنین مؤلفه‌های قدرتی که بعضا غیر مادی و غیر قابل محاسبه هستند و به مراتب از سلاح‌های مادی کارآمدتر و قوی‌تر می‌باشند، توانسته است در دشمنان بازدارندگی ایجاد کند، به گونه‌ای که خیال خام تجاوز را در مخیله پلید خود راه ندهند.

**تامین و حفظ امنیت روانی از چه مسیرهایی ممکن است و در ساخت و حفظ ایران قوی چه تاثیراتی دارد؟**

امنیت روانی جامعه همانند یک پازل است. همان‌طور که برای شکل دادن به یک پازل باید اجزا و قطعات زیادی در کنار هم قرار بگیرند تا تصویر مورد نظر شکل واقعی پیدا کند، برای رسیدن به امنیت روانی جامعه هم باید سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های زیادی با همدیگر تعامل و همکاری نزدیکی داشته باشند تا در سایه این وحدت و همراهی، شرایطی ایجاد شود که مردم به لحاظ روحی و روانی احساس امنیت کنند و نگرانی نداشته باشند. واقعیت مسلم این است که در موضوع امنیت روانی جامعه، نقش نیروهای مسلح کشور، یک نقش مهم، کلیدی و غیر قابل انکار است. علی(ع) در این رابطه می‌فرمایند: فالجنود باذن‌الله حصون الرعیه. یعنی نیروهای مسلح نظام اسلامی باید مثل دیوارهای یک دژ و قلعه باشند و آن‌قدر قوی و مستحکم و غیر قابل نفوذ باشند که مردم درون قلعه با آرامش خاطر و راحتی خیال و بدون ترس از هر تهدیدی زندگی کنند. طبیعی است که نیروهای نظامی و انتظامی زمانی به این جایگاه والا و شایسته دست پیدا می‌کنند که از توان و اقتدار بالائی در مقابله با خطرات و تهدیدات برخوردار باشند. علاوه‌بر این موارد لازم است که نیروهای مسلح با توسل به برخی اقدامات فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی امکان به‌روز و ظهور خطرات و نا آرامی‌ها و ناامنی‌هایی را که به آرامش روانی جامعه آسیب وارد می‌کنند، مسدود کنند. بحمدالله امروز و با وجود دشمنان قسم خورده که دائما چنگ و دندان نشان می‌دهند، مجموعه مقتدر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پرتوان‌تر از گذشته، از همه این قابلیت‌ها و توانمندی‌ها برای مقابله با تهدیدات و برقراری امنیت روانی جامعه برخوردار هستند.

**آمادگی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحرانهای احتمالی در داخل و درگیری‌های بین‌المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ارتش جمهوری اسلامی ایران یکی از بازوهای مسلح و مقتدر نظام اسلامی است که در قانون اساسی، ماموریت مهم، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران را بر عهده‌دارد. ارتش جمهوری اسلامی ایران با بهره مندی از کارکنان مؤمن و ولایتمدار و برخوردار از تجارب ارزشمند و با انجام تمرین‌های فراوان رزمی در قالب رزمایش برای مقابله و دفع هر تهدیدی در فضای جنگ‌های ترکیبی نیابتی و ناهمتراز آمادگی‌های لازم و کافی را دارد. علاوه‌بر آمادگی‌های عملیاتی، برای مقابله با بحران‌های طبیعی مثل سیل، زلزله، آتش سوزی و بیمارهای فراگیر مثل کرونا نیز در خود ظرفیت‌های قابل توجهی ایجاد کرده است.

**هماهنگی بین ارتش و سپاه در چه زمینه‌هایی و چگونه است؟**

ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان دو بازوی قدرتمند نظام اسلامی هستند که با تدابیر حضرت امام(ره) و پس از ایشان با هدایت‌های حکیمانه مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا در کلیه ماموریت‌های دفاعی و برقراری امنیت و حفظ منافع ملی در کنار یکدیگر و دوشادوش هم عمل می‌کنند. نقطه اوج این همدلی و هماهنگی در سال‌های دفاع مقدس و با تشکیل قرارگاه عملیاتی ملی مشترک چهره عینی و عملی به خود گرفت و از شعار ارتشی و سپاهی دو لشکر الهی به باور و شعور ارتشی و سپاهی یک لشکر الهی رسید و امتداد پیدا کرد.

**آمادگی عملیاتی و تهاجم نظامی قریب‌الوقوع نیروهای تحریر الشام توسط عناصر اطلاعاتی و امنیتی کشف و شناسائی و به بالاترین مراجع رسمی و حتی به رئیس‌جمهور سوریه اطلاع‌رسانی شده بود، لکن تحلیل‌های غلط و دلخوش کردن به وعده‌های فریبنده برخی کشورهای عربی و غربی و بدتر از همه انحلال گردان‌های بسیج، غافلگیری راهبردی برای سردمداران آن کشور را فراهم آورد و همه شاهد بودند که در اثر این غافلگیری و بی‌توجهی به هشدارهای دلسوزانه مسئولان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی چگونه یک گروهک تروریستی که البته توسط آمریکا و برخی کشورهای منطقه حمایت می‌شد، خیلی آسان و بدون برخورد با هیچ مقاومتی توانست خود را به پایتخت برساند و حکومت بشار اسد را سرنگون کند. نکته مهم و قابل توجه در این حادثه عظیم این است که این اشغال سریع نظامی، پایان کار سوریه و رژیم مسلط بر آن نیست، بلکه با عنایت الهی بستری برای شروع تحولات بزرگ و فراگیر در منطقه و جهان و البته به نفع جبهه حق خواهد بود.**

نکته قابل توجه اینکه در دهه‌های اخیر و با تشکیل ستاد کل نیروهای مسلح که در حقیقت ستاد فرماندهی معظم کل قواست، شاهد بیشترین وفاق و همدلی و در نتیجه هم افزایی حداکثری بین این دو سازمان نظامی هستیم. اختصاص ماموریت‌های دفاعی و تهاجمی، رزمایش‌های مرکب و مشترک، امداد رسانی‌ها و روابط و مناسبات اداری بین سازمانی با هدایت و نظم بخشی ستاد کل نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد.

---

علی آشنا

# امپریالیسم نوین آمریکا در دوران ترامپ

دولت دونالد ترامپ در عرصه سیاست خارجی آمریکا، به وضوح اولویت اصلی خود را بر مطامع و سلطه طلبی این استکبار جهانی قرار داده است. این رویکرد، نه تنها در سخنان دونالد ترامپ و مشاوران او، بلکه در عملکردهای اجرائی دیگر دولت‌های قبل از آن پس از جنگ جهانی دوم نیز به خوبی مشهود است. ترامپ با اتخاذ سیاست «اول آمریکا»، تحت عنوان «دوران طلایی آمریکا از حالا آغاز می‌شود» بار دیگر نشان داد که منافع این کشور از هر موضوع دیگری مهم‌تر می‌باشد و حاضر است برای حفظ این منافع، حتی به هزینه منافع متحدان غربی خود نیز عمل کند.

نمونه‌هایی از این سیاست یکجانبه‌گرایانه آمریکا را می‌توان در صحبت‌ها و برنامه‌های دونالد ترامپ به عنوان چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا مشاهده کرد. اقداماتی چون خروج از معاهده اقلیمی پاریس، بازگشت به سیا